



اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۲۹

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای یاسر سعادت

در درس قبل گفتیم که در مورد حجیت و ثبوت مدالیل التزامی دلیل قطعی و دلیل ظنی، که موضوع حجیت آن قابل انطباق بر مدلول التزامی باشد، اختلافی وجود ندارد؛ ولیکن در حجیت و ثبوت مدالیل التزامی دلیل ظنی، که موضوع حجیت آن قابل انطباق بر مدلول التزامی نیست، اختلاف وجود دارد.

در این درس، خواهیم دید که مشهور، این گونه مدالیل را نیز ثابت و حجت می‌دانند، به خلاف سید خویی (ره) که این گونه مدالیل را حجت نمی‌داند و با طرح ادله طرفین، شهید صدر در مقام قضاوت بین این دو نظریه گرایش محقق خویی را رد نموده و مانند مشهور قائل به حجیت مطلق مدالیل دلیل ظنی می‌شوند. در پایان درس نیز عدم حجیت مثبتات اصل عملی و دلیل آن بیان خواهد شد.

[مقدار ما يثبت بالأدلة المحرزة: الدليل المحرز له مدلول مطابقٌ و مدلولٌ التزاميٌّ. فكُلما كان الدليل المحرز حجةً، ثبت بذلك مدلوله المطابق، و أما مدلوله الالتزامي ففيه بحثٌ إذا كان قطعياً فلا شك في ثبوت مدلولاته الالتزامية به و إذا كان الدليل ظنياً و قد ثبتت حجته بجعل الشارع فهنا حالتان: الأولى: الثانية: أن لا يكون موضوع الحجية صادقاً على الدلالة الالتزامية....]

و يوجد في هذا المجال اتجاهان:

أحدهما للمشهور، و هو: أن دليل الحجية كلما استفيد منه جعل الحجية لشيء بوصفه أمانة على الحكم الشرعي كان ذلك كافياً لإثبات لوازمه و مدلولاته الالتزامية، و على هذا الأساس وضعوا قاعدة مؤداها أن مثبتات الأمارات حجة، أي أن الأمانة كما يُعتبر إثباتها لمدلولها المطابق حجةً، كذلك إثباتها لمدلولها الالتزامي.

و الاتجاه الآخر للسيد الأستاذ، حيث ذهب إلى أن مجرد قيام دليل على حجة أمانة على أساس ما لها من كشف عن الحكم الشرعي، لا يكفي لذلك؛ إذ من الممكن ثبوتاً أن الشارع يتعبد المكلف بالمدلول المطابق من الأمانة فقط، كما يمكنه أن يتعبد بكل ما تكشف عنه مطابقة أو التزاماً، و ما دام كلا هذين الوجهين ممكناً ثبوتاً، فلا بد لتعيين الأخير منهما من وجود إطلاق في دليل يقتضي امتداد التعبد و سريانه إلى المدليل الالتزامية.

و الصحيح هو الاتجاه الأول، و ذلك لأننا عرفنا سابقاً أن الأمانة معناها الدليل الظني الذي يُستظهر من دليل حجته أن تمام الملاك لحجته هو كشفه بدون نظر إلى نوع المنكشف، و هذا الاستظهار متى ما تم في دليل الحجية كان كافياً لإثبات الحجية في المدلولات الالتزامية أيضاً، لأن نسبة كشف الأمانة إلى المدلول المطابق و الالتزامي بدرجة واحدة تماماً، و ما دام الكشف هو تمام الملاك للحجة بحسب الفرض، فيعرف من دليل الحجية أن مثبتات الأمانة كلها حجة.

و على خلاف ذلك الأصول العملية تنزلية أو غيرها؛ فإنها لما كانت مبنية على ملاحظة نوع المؤدى كما تقدم فلا يمكن أن يُستفاد من دليلها إسرائ التعبد إلى كل اللوازم إلّا بعناية خاصة في لسان الدليل؛ و من هنا قيل: إن الأصول العملية ليست حجة في مثبتاتها، أي في مدلولاتها الالتزامية، و سيأتي تفصيل الكلام عن ذلك في أبحاث الأصول العملية إن شاء الله تعالى.

تحریر محل نزاع (یادآوری)

بیان شد که اگر دلیل قطعی باشد نزاعی در مورد حجیت مدالیل التزامی آن وجود ندارد. و دلیل ظنی، اگر موضوع حجیت آن، عنوانی باشد که قابل انطباق بر مدلول التزامی است، مدلول التزامی به وسیله این دلیل حجیت، ثابت و حجت خواهد بود.

و اگر موضوع حجیت دلیل ظنی، قابل انطباق بر مدلول التزامی نباشد، در حجیت و عدم حجیت آن، بین علماء اختلاف وجود دارد.

دو گرایش نسبت به حجیت مدالیل التزامی که موضوع حجیت قابل انطباق بر آنها نیست

در جایی که موضوع حجیت دلیل ظنی، قابل انطباق بر مدلول التزامی نیست، نسبت به حجیت و ثبوت مدلول التزامی دو قول و گرایش وجود دارد:

الف) حجیت مدالیل التزامی دلیل ظنی محرز

مشهور اصولیون و فقها، قائل به ثبوت و حجیت مدالیل التزامی دلیل ظنی محرز، هستند و می‌گویند: اگر شارع قصد دارد مدلول التزامی را حجت نکند، باید آن را بیان نماید و در غیر این صورت مدلول التزامی دلیل ظنی محرز، حجت خواهد بود.

دلیل مشهور: مجعول در باب امارات، علمیت و نفی احتمال خلاف می‌باشد

دلیلی را که می‌توان برای مشهور اقامه نمود، این است که در باب امارات آنچه که جعل می‌شود علمیت اماره است؛ به این معنا که در باب امارات، شارع مقدس، کاشفیت دلیل ظنی را تمام می‌کند و احتمال خلاف را نسبت به آن منتفی می‌داند؛ لذا با جعل حجیت برای اماره، یک علم تعبدی به مضمون و مفاد اماره برای ما حاصل می‌شود و وقتی علم تعبدی حاصل شد، همانند علم حقیقی، مدالیل التزامی آن، حجت خواهد بود؛ (زیرا علم به شیء، علم به لوازم آن نیز می‌باشد).

تطبیق:

و یوجدُ فی هذا المجالِ اتِّجاهانِ: أحدهما للمشهور، و هو: أنَّ دلیلَ الحجِّیَّةِ کَلَمًا استفیدَ منه جعلُ الحجِّیَّةِ لشیءٍ بوصفهٔ اَمَارَةً علی الحکم الشرعیِّ کان^۲ ذلک^۳ کافیاً لإثباتِ لوازمِهِ و مدلولاتِهِ الالتزامیَّةِ،

در باب حجیت مدالیل التزامی امارات (در صورتی که موضوع دلیل حجیت قابل انطباق بر مدلول التزامی نباشد) دو گرایش وجود دارد: یکی از این دو گرایش از آن مشهور است و این گرایش عبارت است از این‌که: هر گاه از دلیل حجیت، جعل حجیت برای چیزی به این عنوان که آن چیز اماره بر حکم شرعی است، استفاده شود، همین دلیل حجیت برای اثبات لوازم و مدالیل التزامی آن چیز، کافی است.

^۱. مرجع ضمیر: شیء

^۲. جواب «کَلَمًا»

^۳. مشار الیه: دلیل حجیت

و على هذا الأساس^۱ وضعوا قاعدةً مؤداهَا أنَّ مثبتاتِ الأماراتِ حجةٌ، أى أنَّ الأمانةَ كما يُعْتَبَرُ إثباتها لمدلولها المطابقي حجةً، كذلك إثباتها لمدلولها^۲ الالتزامي.

بر همین اساس، مشهور، قاعده‌ای وضع کرده‌اند که مفاد و مؤدای آن این است که مثبتات اماره حجت است، یعنی همان‌طور که مدلول مطابقی اماره حجت می‌باشد، مدلول التزامی آن نیز حجت است.

(ب) عدم حجیت مدالیل التزامی دلیل محرز ظنی

محقق خویی(ره) معتقدند که به صرف قیام دلیل بر حجیت اماره، مدالیل التزامی آن ثابت نمی‌گردد؛ زیرا مدالیل التزامی، هر چند که در عالم واقع و تکوین، با مدالیل مطابقی ملازم هستند، اما در عرصه جعل و تشریع ممکن است شارع مقدس بین این مدلول مطابقی و التزامی، تفکیک دهد؛ یعنی شارع مقدس هم می‌تواند مکلف را فقط به مدلول مطابقی، متعبد نماید و مدلول التزامی را از دایره تعبد خارج سازد و هم می‌تواند مدلول التزامی را در کنار مدلول تعبدی حجت کند. پس در عالم ثبوت هر دو نوع جعل حجیت برای دلیل ظنی ممکن است؛ لذا در عالم اثبات و ادله، چون دو نوع جعل حجیت برای دلیل ظنی ممکن است، باید ببینیم که آیا قرینه‌ای در دلیل حجیت آن وجود دارد که مدالیل التزامی را نیز حجت کند یا نه؟ و تا قرینه‌ای بر حجیت مدالیل التزامی وجود نداشته باشد، نمی‌توان آن را ثابت دانست.

تطبیق

و الاتجاه الآخر للسيد الأستاذ، حيث ذهب^۳ إلى أنَّ مجردَ قيامِ دليلٍ على حجيةِ أمانةٍ على أساسٍ ما لها من كشفٍ عن الحكم الشرعي، لا يكفي لذلك؛

دیدگاه و گرایش دیگر از آن سید خویی(ره) است. آن‌جایی که قائل شده است که: صرف قیام دلیل بر حجیت اماره بر اساس کاشفیت اماره از حکم شرعی، برای حجیت و ثبوت مدلول التزامی اماره کافی نیست.

إذ من الممكن^۴ ثبوتاً أنَّ الشارع يتعبدُ المكلفَ بالمدلولِ المطابقيِّ من الأمانة فقط

زیرا ثبوتاً ممکن است که شارع مقدس، مکلف را فقط به مدلول مطابقی اماره، متعبد نماید.

كما يمكنه أن يتعبدَهُ بكلِّ ما تكشفُ عنه^۵ مطابقةً أو التزاماً،

همان‌گونه که ممکن است شارع مقدس، مکلف را به هر آنچه که اماره کاشف از آن است، متعبد سازد. خواه آن‌چه را که اماره کاشف از آن است، مدلول مطابقی باشد یا مدلول التزامی.

و ما دام كلا هذين الوجهين ممكناً ثبوتاً،

و تا زمانی که این دو وجه (عدم حجیت اماره در اثبات مدلولات التزامی و حجیت اماره در اثبات مدلولات التزامی) در مقام ثبوت ممکن باشد؛

فلا بدَّ لتعيين الأخيرِ منهما من وجودِ إطلاقٍ في دليلٍ يقتضي^۱ امتدادَ التعبدِ وسريانه^۲ إلى المداليلِ الالتزامية.

^۱. یعنی: بر اساس این که دلیل حجیت اماره را برای اثبات مدالیل التزامی اماره کافی می‌دانند.

^۲. لام تقویت

^۳. یعنی: قائل شده است.

^۴. عقلاً.

^۵. مرجع ضمیر: «ما»ی موصوله.

پس باید برای تعیین وجه دوم (حجیت اماره در اثبات مدالیل التزامی) از این دو وجه، اطلاقی در دلیل حجیت وجود داشته باشد که مقتضی امتداد تعبد و حجیت سریان این تعبد، حجیت به مدالیل التزامی باشد؛ (یعنی باید یک اطلاق در دلیل حجیت باشد که بگوییم شارع مقدس این اماره را به شکل مطلق حجت نموده است).

Sco۱:۱۰:۵۲

مختار شهید صدر: گرایش مشهور

گفتیم در مورد حجیت مدلول التزامی که موضوع دلیل حجیت شامل آن نمی‌شود دو نظریه و دیدگاه وجود دارد، شهید صدر در مقام قضاوت بین این دو نظریه، دیدگاه و نظریه مشهور را بر دیدگاه سید خویی (ره) ترجیح می‌دهند و در بیان علت این ترجیح می‌فرمایند: قبلاً گذشت که اماره، حکم ظنی است و تمام ملاک حجیت آن کشف از واقع است و چیز دیگری در حجیت این اماره دخیل نیست؛ مثلاً نوع حکم مشکوک در حجیت اماره هیچ دخالتی ندارد؛ بر همین اساس تا جایی که کاشفیت اماره امتداد دارد، حجیت آن نیز امتداد خواهد داشت.

و تا وقتی که ملاک ثابت است، حکم هم ثابت می‌باشد؛ چون ملاک حکم، علت برای حکم است و هر کجا علت بود، معلول هم وجود خواهد داشت و شکی نیست که اماره، همان‌طور که کاشف از مدلول مطابقی خود است، از مدلول التزامی خود نیز کاشف می‌باشد و کاشفیت اماره از مدلول مطابقی و مدلول التزامی به یک اندازه است؛ لذا ملاک حجیت اماره نسبت به مدلول مطابقی، عیناً در مدلول التزامی نیز وجود دارد؛ پس وجهی برای تفرقه بین مدلول مطابقی و التزامی اماره، در حجیت وجود ندارد.

تطبیق

و الصحيح هو الاتجاه الأول^۳، و ذلك^۴ لأننا عرفنا سابقاً أن الأمانة معناها الدليل الظني الذي يستظهر من دليل حجته أن تمام الملاک لحجته هو كشفه بدون نظر إلى نوع المنكشف^۵،

صحيح، گرایش مشهور است، چون سابقاً دانستیم که معنای اماره، دلیل ظنی است که از دلیل حجیتش استظهار می‌شود که تمام ملاک برای حجیت اماره، کشف آن از واقع می‌باشد، بدون این که نظری به نوع منکشف داشته باشد.

و هذا الاستظهار متى ما تم في دليل الحجية كان كافياً لإثبات الحجية^۶ في المدلولات الالتزامية أيضاً،

و این استظهار تا زمانی که نسبت به دلیل حجیت اماره، تمام باشد؛ برای اثبات مدالیل التزامی اماره کفایت می‌کند.

لأن نسبة كشف الأمانة إلى المدلول المطابقي و الالتزامي بدرجة واحدة تماماً،

زیرا کاشفیت اماره نسبت به مدلول مطابقی و مدلول التزامی به یک اندازه و درجه است.

^۱. صفت دلیل.

^۲. مرجع ضمیر: التعبد..

^۳. یعنی: کفایت دلیل حجیت اماره برای حجیت و ثبوت مدالیل التزامی آن.

^۴. مشار الیه: صحت اتجاه اول.

^۵. أي: بدون النظر إلى نوع الحكم المحتمل أو المشكوك.

^۶. یعنی: استظهار این که تمام ملاک برای حجیت اماره، کشف آن از واقع می‌باشد.

^۷. أي: من دون قرينة إضافية.

و ما دام الکشف هو تمام الملائک للحجّة بحسب الفرض، فيعرف من دليل الحجّة أنّ مثبتات الأمانة كلّها حجّة.

و تا زمانی که کاشفیت، تمام ملاک حجیت اماره باشد که فرض را بر همین گذاشتیم، از دلیل حجیت اماره دانسته می‌شود که تمام مثبتات اماره حجت است.

Sco۲:۱۶:۲۶

مثبتات اصول عملیه

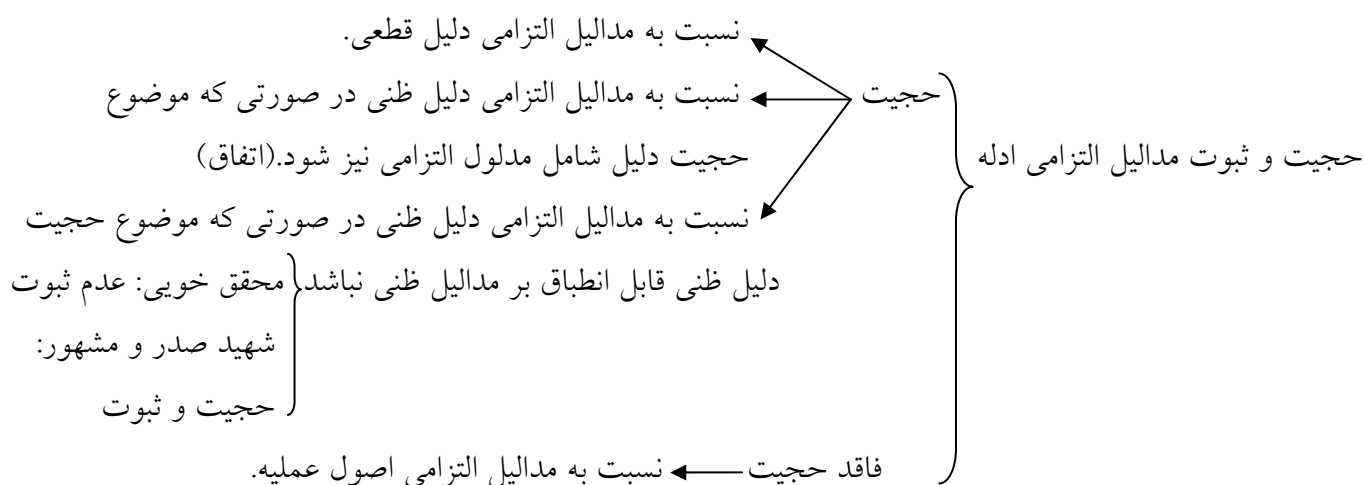
در مثبتات دلیل محرز، قائل به حجیت مدالیل التزامی شدیم. حال می‌خواهیم ببینیم آیا این سخن نسبت به مدالیل التزامی اصول عملیه نیز جاری است یا نه؟ به عبارت دیگر، آیا مدلول التزامی اصل عملی به واسطه دلیل حجت و اعتبار آن، حجت است یا نه؟

طبق بیان مصنف، عدم حجیت مدلول التزامی اصل عملی، روشن است؛ زیرا ملاک در جعل و اعتبار اصل عملی، نوع حکم منکشف می‌باشد؛ که یا صرف نوع حکم منکشف، ملاک است، چنان‌که در اصول غیر تنزیلی این‌گونه است؛ مثل براءت شرعیه، و یا نوع حکم منکشف و کاشفیت آن، ملاک اصل عملی است؛ چنان‌که در اصل عملی تنزیلی، مثل استصحاب، این‌گونه می‌باشد؛ پس چون انکشاف، تمام الملائک در اعتبار اصل عملی نیست بلکه فقط در یک قسم، جزء الملائک است، نمی‌توان حجیت و ثبوت لوازم اصل عملی را از دلیل حجیت آن، احراز نمود.

هر چند که شارع مقدس می‌تواند با جعل قرینه‌ای در دلیل اعتبار اصل عملی و یا در خارج، مدالیل التزامی اصل عملی را حجت نماید؛ ولیکن چون در مقام ثبوت، دو گونه جعل ممکن است، الزم است که در مقام اثبات قرینه‌ای دال بر نوع معین (حجیت مدلول التزامی) وجود داشته باشد.

مثال: استصحاب حیات زید، چندین لازمه دارد: یکی این‌که: پس زید ۳۰ سال دارد و زن او، زن شوهردار محسوب شده و عقد بر او جایز نیست. یا مثلاً پس زید ریش درآورده است و غیر ذلک. که تمام این مثبتات اصول عملیه قابل اثبات نیستند؛ البته این نکته باید توجه شود که اگر خود این لازم، حالت سابقه داشته باشد، می‌توان خود آن را استصحاب نمود. مثلاً اگر زید در ۲۲ سالگی مفقود شده است و آن زمان دارای ریش بوده است، می‌توان الآن ریش داشتن زید را استصحاب نمود.

FG



تطبیق

و على خلاف ذلك الأصول العملية تنزيلية أو غيرها؛

بر خلاف اماره (که مداليل التزامی آن با دليل حجيتش ثابت می شود)، اصل عملی است، خواه اصل عملی، تنزیلی باشد (که ملاک در آن، صرف کاشفیت نیست، بلکه نوع حکم منکشف نیز در آن دخالت دارد). و یا اصل عملی، غیر تنزیلی باشد، (که تمام ملاک در آن، نوع حکم منکشف است)

فإنها لما كانت مبنية على ملاحظة نوع المؤدى^۱ كما تقدم فلا يمكن أن يستفاد من دليلها^۲ إسرائء التعبد إلى كل اللوازم پس اصول عملیه چون که نوع حکم منکشف و مؤدای آن، در ملاک آن ها لحاظ می شود، ممکن نیست که از دليل حجيت آن ها، تعبد را به تمام لوازمشان سرایت داد.

إلا بعناية خاصة في لسان الدليل؛

مگر به عنایت خاصی که در لسان دليل اخذ شود، (یعنی قرینه ای بر سرایت تعبد به مداليل التزامی در دليل تعبد، آورده شود).

و من هنا قيل: إن الأصول العملية ليست حجة في مثبتاتها، أي في مدلولاتها الالتزامية،

از همین جا (که گفتیم از دليل تعبد اصول عملیه نمی توان اثبات و حجيت مداليل التزامی آن را فهمید) گفته می شود که اصول عملیه در مثبتات خود حجت نیستند؛ مراد از مثبتات، مداليل التزامی است

و سيأتي تفصيل الكلام عن ذلك في أبحاث الأصول العملية إن شاء الله تعالى.

و سخن، پیرامون عدم حجيت مثبتات اصول عملیه در مباحث اصول عملیه، خواهد آمد، إن شاء الله تعالى.

Scor: ۲۳: ۱۱

^۱. أي: نوع الحكم المنكشف أو المحتمل أو المشكوك.

^۲. مرجع ضمير: اصول عملیه.

۱. اگر موضوع حجیت دلیل ظنی، بر مدلول التزامی قابل انطباق باشد، مدلول التزامی حجت خواهد بود.
۲. اگر موضوع حجیت دلیل ظنی، قابل انطباق بر مدلول التزامی نباشد، دو گرایش نسبت به حجیت آن وجود دارد:
 - (الف) گرایش مشهور: حجیت مدالیل التزامی؛ زیرا در اماره، جعل علم تعبدی می‌شود و علم به شیء، علم به مدالیل آن می‌باشد.
 - (ب) گرایش محقق خویی(ره): عدم حجیت مدالیل التزامی؛ زیرا در مقام ثبوت، شارع هم می‌تواند فقط مدلول مطابقی را حجت نماید و هم می‌تواند علاوه بر مدلول مطابقی، مدلول التزامی را نیز حجت نماید؛ لذا در مقام اثبات نیاز به قرینه‌ای داریم که ثابت کند شارع، مدلول التزامی را نیز حجت نموده است.
۳. به نظر شهید صدر(ره) گرایش صحیح، در مورد حجیت مدالیل التزامی دلیل ظنی، قول مشهور است؛ زیرا ملاک حجیت دلیل ظنی، کاشفیت آن است. این کاشفیت هم نسبت به مدلول مطابقی وجود دارد و هم نسبت به مدلول التزامی.
۴. مدالیل التزامی اصول عملیه حجت نیست؛ زیرا ملاک در جعل حجیت برای آنها، صرف کاشفیت نیست و در برخی از اصول (اصول تنزیلی) کاشفیت، جزء ملاک است و جزء دیگر نوع حکم منکشف است. در برخی دیگر (اصول غیر تنزیلی) کاشفیت، هیچ دخلی در ملاک ندارد و تمام الماک، نوع حکم منکشف می‌باشد.